



انترناسیونال ۴۳۲

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲ دی، ۲۳ دسامبر ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سرمدبیر: کاظم نیکخواه

حلقه اصلی، نقد دولت مافوق مردم است

مصاحبه با حمید تقوایی در رابطه با تحولات اخیر مصر



صفحه ۲

رودرروئی صریح و مستقیم بین انقلاب و ضد انقلاب در جامعه مصر است. و این کاملاً قابل پیش بینی بود. انقلاب مصر با شعار "مبارک باید برود" شروع شد اما از

دارد می افتد موقعیت انقلاب در مصر چگونه است؟ حمید تقوایی: آنچه شاهد آن هستیم نشاندهنده تعمیق پولاریزاسیون طبقاتی و

انترناسیونال: این هفته جهان شاهد جنایات وحشیانه ارتش مصر بود. سربازان در خیابان بنحو سبعانه ای تظاهرکنندگان را تکه پاره میکردند. چه اتفاقی

رضا پهلوی در بدر بدنبال

سناریوی لیبی



کاظم نیکخواه

رضا پهلوی این روزها فعال تر از قبل شده است. ایشان به رسانه های مختلف نظیر فیگارو و رادیو فردا و صدای آمریکا و امثالهم مصاحبه میکنند تا دو چیز را بگویند یکی اینکه طرحی تحت عنوان "شورای هماهنگی" دارند که قرار است همه نیروهای مخالف حکومت را دور هم جمع کند، (بعدا میگویم که این نیروها چه شروطی باید داشته باشند) و ثانیاً ایشان طرح محاکمه علی خامنه ای را به شورای امنیت سازمان ملل داده اند و آنرا فعالانه دنبال میکنند. فعلاً به علت اینکه رسانه های رسمی دولتهای غربی براحتمی میکروفون جلوی بقول خودشان "شاهزاده رضا پهلوی" میگذارند، نمی پردازم. این نیز داستان خودرا دارد که جداگانه باید به آن پرداخت.

رضا پهلوی چه میخواهد؟ حقیقت اینست که رضا پهلوی علیرغم سرنگونی رژیم شاهنشاهی در بیش از ۳۰ سال پیش و علیرغم رویدادهای عظیم در دنیا در این سالها، هنوز همان شاهزاده است. ناسیونالیست است. به دنبال سلطنت است. و مخالف و ضد انقلاب مردم است. کل تاثیر این سالها بر او این بوده است که جرات ندارد این مفاهیم را رك و راست و صریح بیان کند. بلکه زیر لفافه حقوق بشر و سکولاریسم و امثال آن حرف میزند. بعلاوه بشدت مردود است. بارها به جناحهای حکومت اسلامی چراغ سبز داده است. به خاتمی برای ایجاد يك حکومت اسلامی خوش خیم خوش آمد گفت. به موسوی و کروبی هم دست همیاری دراز کرد. اما امروز متوجه شده است که از این امامزاده ها معجزه ای ساخته نیست و باید صفحه ۴

حزب کمونیست کارگری علیه اعدام

یک سوال از مینا احدی

از بروکسل برگشته ام و کامپیوترم را روشن میکنم و اخبار و امیل هایم را نگاه میکنم. اولین ای میل صفحه ۴

رهبرای حزب کمونیست کارگری بگویند بطور مشخص حزب در مورد اعدام چه میگوید؟ مینا احدی: دوشنبه ۶ ماه دسامبر

داشته اید. اینجا میخواهیم که شما تصویری کوتاه و گویا از ابعاد فعالیتهايتان علیه اعدام ارائه کنید و بعنوان یکی از

انترناسیونال: مینا احدی شما سالهاست علیه اعدام و سنگسار مبارزه میکنید و موفقیتهای چشمگیری و غیرقابل انکاری

باز هم در مورد جنایت کارخانه غدیر یزد

شهلا دانشفر

حادثه‌اند" این گفته حسن ایزدی برادر محمد ایزدی یکی از قربانیان انفجار کوره کارخانه فولاد غدیر یزد است. حسن ایزدی در گفتگو با ایلنا میگوید: صفحه ۹

"کسانی که به این کارخانه اجازه کار داده اند بدون اینکه بازرسی و نظارت بر امنیت جانی کارگران داشته باشند از مقصران

کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران برگزار میشود

لیست نمایندگان کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران در مرحله انتخابات سراسری آگهی انتخابات محلی (تشکیلات های کشوری) کنگره ۸ حزب کمونیست کارگری ایران، صفحه ۹

خروج نیروهای آمریکا از عراق و بالا گرفتن جدال ها

بهرروز مهرآبادی

بیش از ۲۰۰ نفر از مردم و ساکنین بغداد شده است. عامل و یا عوامل این جنایات ناشناسند اما آن را می توان ادامه جنگ های مذهبی و قومی دانست که چندین سال است در شدن حداقل ۶۳ نفر و زخمی شدن صفحه ۷

امروز پنجشنبه اول دی ماه انفجار چندین بمب ۱۱ محل مختلف شهر بغداد را به لرزه درآورد. گزارش های اولیه حاکی از کشته شدن حداقل ۶۳ نفر و زخمی شدن

یک فاجعه دلخراش دیگر! صفحه ۱۰

بیش از دویست پناهجو جان خود را از دست دادند!

رضا شهابی به اعتصاب غذای خود خاتمه داد

آکسیون اعتراضی در حمایت از رضا شهابی و کارگران زندانی در تورنتو در کانادا، صفحه ۸

بازتاب هفته

رویدادهای منطقه در یک نگاه

محمد شکوهی

صف های خرید سکه خاصی برای بحران اقتصادی رژیم

بهرروز مهرآبادی

دیوار کوتاه اکبر شاه!

یاشار سهندی

صفحات ۵-۶

صفحات دیگر

ساکنین اردوگاه اشرف باید به یک کشور

ثالث و امن منتقل شوند!

صفحه ۷

بازنشستگان ذوب آهن بخش دیگری از طلب

خود را گرفتند، صفحه ۱۰

جمهوری اسلامی، بی مهابا تر در جنایت

بهرروز مهرآبادی، صفحه ۷

حلقه اصلی، نقد دولت ...

از صفحه ۱

همان آغاز روشن بود توده انقلابی خواهان کنار رفتن کل سیستمی است که مبارک مظهر و تجسم آن بود. مردم بدرستی، همانطور که در همه انقلابات علیه دیکتاتوریهایی عربان و خشن اتفاق میافتد، راس حکومت یعنی شخص دیکتاتور را نشانه گرفتند و در عین حال با شعار "نان، آزادی، کرامت انسانی" اعلام کردند چرا میخواستند دیکتاتور برود. در مقابل، ضد انقلاب (شامل ارتش، دولت‌های غربی، اخوان المسلمین و دیگر نیروهای بورژوازی در اپوزیسیون و در پوزیسیون) تلاش کرد تا با کنار رفتن مبارک ختم انقلاب را اعلام کند و کل نظام حاکم را، حتی با ابقای مقامات و مهره های رژیم قبلی، حفظ کند. ارتش در مرحله اول انقلاب ظاهر بیطرف بخود گرفت تا در دوره بعد از مبارک قدرت را قبضه کند و نیروهای ارتجاعی نظیر اخوان المسلمین در پیاده رو ایستادند تا بعد از خلوت شدن خیابانها در بازی دولتمسازان از بالا سهمی بعهده بگیرند.

امروز پیشروها و رادیکالیزه شدن انقلاب جای چندانی برای این نوع بازبها و مانورهای ضد انقلاب باقی نگذاشته است. فاز دوم انقلاب که با بازگشت قدرتمند مردم به التحریر در ۱۸ نوامبر شروع شد اعلام کرد "طنطاوی باید برود" و این پاسخ محکمی به انتخابات و مانورهای انتخاباتی ارتش و اخوان المسلمین و دیگر دموکراسی پناهان ضد انقلابی و پیشروی مهم دیگری در جهت در هم کوبیدن کل نظام موجود مصر بود. ارتش در مصر تنها ابزار سرکوب نیست بلکه خود شبیه سپاه پاسداران در جمهوری اسلامی، بخش مهمی از قدرت سیاسی و اقتصادی حاکم است. حذف ارتش از قدرت تمام سیستم و ساختار حکومتی مصر را در هم میریزد. این را هم طبقه حاکم مصر - دولت‌های غربی و ضد انقلاب بین المللی - بخوبی میدانند و هم مردمی که اعلام میکنند طنطاوی باید برود. با طرح این شعار در میدان التحریر عملاً افسانه "دولت

انترناسیونال: برای پیشروی انقلاب در مصر بنظر شما باید روی چه نکاتی انگشت گذاشت، فراخوان شما چیست؟

حمید تقوائی: اولین مساله که فکر میکنم همه با آن توافق داشته باشند اینست که انقلاب سر ندارد، از یک نیروی متشکل و شناخته شده سازماندهنده و رهبری کننده محروم است و باید به سرعت این خلاء پر شود. اما به نظر من دیدن این ضعف اساسی هنوز چیز زیادی در باره راه برطرف کردن آن نمیکوید. سؤال اصلی اینست که رهبری چگونه میتواند عروج کند؟ برای روشن شدن موضوع میتوان مساله را به این شکل مطرح کرد که اگر این رهبری وجود میداشت مبیایست چه میکرد و چه میگفت؟ پاسخ به این سؤال پاسخ به مساله فقدان رهبری نیز هست. رهبری در روند انقلاب و با پاسخگویی به مسائل و موضوعات متنوعی که مدام انقلاب مطرح میکند شکل میگیرد و ازینرو هر نیروی مدعی رهبری انقلاب تنها میتواند از همان گام اول با چاره جویی برای این مسائل به موقعیت رهبری برسد.

به نظر من کلید و حلقه اصلی در انقلاب مصر مساله دولت است. منظورم صرفاً برکناری دولت حاکم

نیست. این بنا به تعریف مضمون هر انقلابی است و در مصر هم همانطور که بالاتر اشاره کردم از همان روز اول خلاصی از شر دولت موجود هدف مستقیم مردم بوده است. تاکید من بر نفی دولت بعنوان ارگان مافوق مردم و ملزومات آن یعنی بوروکراسی و دموکراسی مافوق مردم و بالای سر مردم است. این ضدید پایه ای با دولت به نظر من یک ویژگی مهم و وجه تمیز انقلاب مصر و دیگر تحولات منطقه با انقلابات گذشته است. این ویژگی را حتی در جنبش اشغال یا نود و نه درصدیها در غرب هم می بینیم.

شکل گیری این جنبش جهانی بهیچوجه تصادفی نیست. ویژگیهای سرمایه داری عصر ما - از تحول انقلاب الکترونیک در عرصه ارتباطات جمعی و مدیای اجتماعی تا بحران همه جانبه و تشدید شونده سرمایه داری و افشا شدن نقش پارلمان و دموکراسی پارلمانی در خدمت به یک درصد و فشردن گلوی نود و نه درصد و غیره - در شکل گیری این جنبش نقش تعیین کننده ای داشته است. در پایه ای ترین سطح باید گفت که ریاضت کشی اقتصادی و سلطه بلامنازع سرمایه داری بازار آزاد که امروز یک امر جهانی است، نقد سیاسی آن یعنی نفی دولت سیستم حکومتی پاسدار این سیاستها را نیز به یک امر بین المللی تبدیل کرده است و همین واقعیت است که کارگران و مردم ویسکونسین و اوکلند و نیویورک و مادرید و لندن و آتن و تل آویو را در کنار مردم قاهره و بنغازی و دمشق و صنعا قرار میدهد. اسم این حرکت بیسابقه بین المللی را میشود جنبش جهانی "اشغال" گذاشت. اشغال جهان تحت سلطه یک درصدیها بوسیله نود و نه درصد مردم.

من در نوشته های دیگری این موضوع را باز کرده ام - و هنوز هم باید بیشتر در این باره نوشت - اما تا آنجا که به این بحث مشخص ما در مورد انقلاب مصر بر میگردد به نظر من نفس اشغال التحریر بعنوان شکل غالب مبارزه در خود بیانگر نفی عملی قدرت حاکمه مافوق مردم - و ملزومات آن نظیر

بوروکراسی و پارلمان - است. مردم میدان مرکزی قاهره را اشغال کردند و کنترل آنرا در دست گرفتند و اعلام کردند تا مبارک نرود ما اینجا را ترک نمیکنیم. اما به نظر من این اقدامی بسیار فراتر از یک اقدام تاکتیکی - نظیر مثلاً بست نشینی در انقلاب مشروطه - برای رسیدن به خواست معین رفتن مبارک بود. کما اینکه نه ماه بعد از سرنگونی مبارک فاز دوم انقلاب هم دوباره با اشغال التحریر شروع میشود. کما اینکه مدل اشغال خیابانها و میادین و پارک ها به یک شیوه رایج مبارزه نه تنها در انقلابات منطقه بلکه حتی در جنبش ضد کاپیتالیستی نود و نه درصدیها در غرب بدل شده است. خود اسم جنبش اشغال گویای این خصوصیت ضد کنترل دولتی است. این شکل اعتراض به نظر من نقد و نفی عملی قدرت مافوق یا دولت ماوراء مردم است هر چند خود انقلاب صریحاً این را اعلام نکند و فعالین آن خود روشن و شفاف این خواست را فرموله و بیان نکرده باشند. بقول مارکس تحولات تاریخی را، همانند ارزیابی افراد از خود، بر مبنای آنچه شکل دهندگان میگویند نباید قضاوت کرد. اما رهبری این انقلابات تنها حزب و نیروی سیاسی ای میتواند باشد که قبل از هر چیز به این واقعیت آگاه باشد و آنرا نقطه عزیمت خود قرار بدهد. نفس اینکه مضمون و خصلت ضد دولتی این انقلابها و همچنین جنبش اعتراضی ضد سرمایه در غرب - بروشنی و با شفافیت بیان نشده و شکل برنامه و پلاتفرم سیاسی بخودش نگرفته خود ناشی از فقدان یا عدم حضور فعال یک حزب یا نیروی سیاسی رهبری کننده در این تحولات است. کار یک نیروی رهبری کننده قبل از هر چیز بیان سیاسی این نقد و تبدیل آن به یک برنامه و پلاتفرم برای خلع ید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی و کسب قدرت سیاسی، و یا بعبارت دقیقتر سازماندهی مردم بعنوان قدرت سیاسی، است. ناکفته پیداست که تنها کمونیست‌هایی از نوع کمونیسم

کارگری میتوانند این نقش را ایفا کنند. انقلاب مصر برای پیشرویهایی بیشتر و رسیدن به پیروزی نهائی به چنین نیرویی نیازمند است.

انترناسیونال: حزب کمونیست کارگری در حمایت از انقلاب مصر چه کاری در دستور دارد و چه میتواند بکند؟

حمید تقوائی: روشن است که عرصه مبارزه مستقیم ما جامعه ایران است و ازینرو ما متأسفانه نمیتوانیم نقش مستقیمی در رهبری و سازماندهی عملی انقلاب مصر ایفا کنیم. اما این بهیچوجه به معنی بی تاثیر و بیوظیفگی ما نیست. ما میتوانیم و موظفیم در تقویت موقعیت کمونیسم کارگری در این انقلاب و عطف توجه کمونیست‌های انقلابی به نکاتی که توضیح دادم هر چه در توان داریم انجام بدهیم. شیوه کار ما تماس مستقیم با انقلابیون مصر از جمله با واسطه رفقای حزب کمونیست کارگری چپ عراق، ترجمه ادبیات حزب حول انقلاب مصر و دیگر تحولات امروز دنیا بزبان عربی و انگلیسی و فعال شدن در مدیای اجتماعی حول انقلاب مصر و مسائل مربوط به آنست. اینها راههایی است که به تقویت جنبش کمونیسم کارگری در مصر و در منطقه کمک میکند و زمینه شکل گیری رهبری انقلاب را فراهم میآورد. ما تاکنون قدم‌هایی در این زمینه ها برداشته ایم و باید وسیعتر و فعالتر کار کنیم. ولی باید فراتر و در یک مقیاس ماکرو یا کلان نیز وارد عمل شد. میتوان بعنوان نمونه حول مسائل انقلابات منطقه و همچنین جنبش نود و نه درصد سمنارها و گردهمایی‌هایی در سطح بین المللی سازمان داد و توجه انقلابیون در مصر و در منطقه و کلا افکار عمومی جهانیان را به مسائل گرهی و راههای پیشروی انقلابات و اعتراضات ضد کاپیتالیستی جاری جلب کرد. امیدوارم بتوانیم در آینده نزدیک چنین سمنارها و میزگردهائی نیز برگزار کنیم.*

انترناسیونال را بخوانید و وسیعاً تکثیر و پخش کنید

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

حزب کمونیست کارگری...

از صفحه ۱

از علی مهین ترابی است. اغراق نیست اگر بگویم خستگی از تنم بیرون می‌رود. علی نوشته بود:



در میان بهت اندوه و ناباوری هایم صدایم می‌کنی... صدایی می‌شوی... نه برای من! برای علی که جوانیش را باخت

فریادی می‌شوی برای نه به جلا... اعدام نه به سنگی که جان آن زن را هدف گرفت

و نه به میله‌های سردی که اندیشه‌ها را به قفس کشیده! نفس نفس هایت بوی انسانیت می‌دهد...

تلاطم روزگاری که اندیشه‌ها سردرگم تندیسهایی است که به به و هورا نمی‌آورد

این نگاه توست که همیشه یادآور زندگی است!

و در پایان مینوسد تقدیم به مینا احدی.

علی البته مرا خاله مینا صدا می‌کند و یکی از نوجوانان محکوم به اعدام در ایران بود که بر اثر اعتراضات جان سالم بدر برد ولی کماکان جمهوری اسلامی خواهان رسیدگی مجدد به پرونده علی شده و از اینکه علی جوان را اعدام نکرده خود را مغبون احساس می‌کند و علی از ایران فرار کرده و در ترکیه سکنی گزیده و متاسفانه سازمان ملل تقاضای پناهندگی او را نپذیرفته است. بهر حال اینجا می‌خواستم در مورد شبی حرف بزنم که در گوتنبرگ سوئد بودم؛ سه سال پیش برای سخنرانی ۸ مارس روز جهانی زن رفته بودم. در خانه آناییتا و رزگار مهمان بودیم که تلفنم زنگ زد و علی از آنسوی خط از زندان به من میگفت خاله مینا اگر فکری نکنی، بزودی اعدام می‌کنند. و همان وقت میگفت آیا نمیتوانی به مردم آلمان بگویی کاری نکنند من اعدام نشوم!

این فقط یک داستان از زندگی

مبارزه جهانی برای ممنوعیت اعدام در همه جا شدیم.

ما چگونه کار کردیم؟ تاریخ مبارزه ما بر علیه اعدام در ایران با اعلام ضد انسانی بودن قتل عمد، جایگاه این جنایت در دولتهای سرمایه داری و حکومت‌های فاشیست و دیکتاتور، در دفاع از حق زندگی همه محکومین به اعدام، با دفاع از یک سیستم قضایی عادلانه، با مخالفت کامل با دخالت قوانین اسلامی در این سیستم قضایی و با دفاع از جدایی مذهب از دولت و آموزش پرورش، با دفاع جانانه از حقوق و حرمت انسانی و با دامن زدن به مباحثات زیادی در مورد حقوق زنان، حق رابطه آزادانه بین افراد، حقوق کودکان، چگونگی مقابله با جنایت در جامعه، فلسفه مقابله با جنایات و جرائم و مقابله با انتقام و قوانین عهد حجری چشم در مقابل چشم و... عجیب است. این یک عرصه مهم مبارزه ما بوده و بدلیل کمپین های گسترده، انسانی، بدون تخفیف و مبارزه پیگیر برای نجات محکومین به اعدام بویژه زنان و مردان ناشناس در اعماق جامعه، محبت و سمپاتی و همسبستگی عمیقی را در جامعه دامن زده ایم.

بطور مثال کمپین نجات کبرا رحمانپور یکی از کمپین های گسترده جهانی ما بود. کبرا از یک خانواده زحمتکش و دختر با استعدادی بود که برای تامین مخارج ادامه تحصیلش به خدمتکاری در یک خانواده ثروتمند مشغول میشود. به او تجاوز میشود و تحت فشار خانواده و تحت فشار فرهنگ عقب مانده او را مجبور میکنند با کسی که هم سن پدرش هست و به او تجاوز کرده ازدواج کند. کبرا در یک جنون آبی وقتی مادر شوهرش به او توهین می‌کند و با چاقو به کبرا حمله کرده، چاقو را از او می‌گیرد و به خود حمله کننده چند ضربه می‌زند متاسفانه مادر شوهرش کشته شد و کبرا در زندان اوین به اعدام محکوم شد. این کمپین برای ما با نقد سیستمی و شرایطی همراه شد که کبرا را مجبور میکند برای تامین مخارج درس خواندن کار کند، فرهنگی که کبرا را

مجبور میکند ازدواج کند و در عین حال فقر و نداری خانواده او و همچنین موضوع اعدام بعنوان قتل عمد دولتی.

بیوگرافی کبرا به چندین زبان دنیا ترجمه شد و در ایتالیا کبرا جایزه دفاع از حقوق انسانی را گرفت و دنیا بپا خاست و از کبرا دفاع کرد. ما در این کمپین به خانواده کبرا اعتماد بنفوس دادیم که با صدای بلند از حق فرزند خود دفاع کنند. پدر کبرا بمن گفت که در محل کار و در محله آنها اکنون به احترام او از جا بلند میشوند و این احترام به حقوق انسانی او را زنده نگه میدارد. کبرا اکنون در زندان است و یکبار تا پای چوبه دار رفته است.

یا کمپین ما در مورد شهلا جاهد که با انجام برنامه های تلویزیونی زیادی همراه بود. در اینجا از حق یک زن "تنها" دفاع می‌کردیم که طبق سنت اسلامی میگفتند وارد زندگی "یک مرد" شده است. جمهوری اسلامی ایران طبق قوانین ضد زن و اسلامی خود از روز اول در کنار محمد خانی "فوتبالیست و مرد محبوبش" ایستاد و شهلا را که یک زن آزاده بود و سیستم را به تسمخر میکشید و حکومت را قبول نداشت، در نهایت اعدام کرد. برنامه های تلویزیونی ما در مورد شهلا میلیونها بیننده داشت و یک کلیپ ویدیویی که ما بعد از اعدام شهلا تهیه کردیم نزدیک یک میلیون بیننده داشت. کمپین ما علیه حکم اعدام دلارا دارابی یکی از کمپین های مهم علیه اعدام نوجوانان بود. یا کمپینی که با نازنین افشین جم علیه حکم اعدام نازنین فاتحی پیش بردیم یکی از موفقترین کمپین ها بود و در نهایت نازنین فاتحی از زندان آزاد شد. کمپین دفاع ما از احسان فتاحیان، فرزاد کمانگر، افسانه نوروزی، همجنسگرایان محکوم به اعدام، عبدالله و محمد فتاحی دو برادر محکوم به اعدام، همه و همه با مباحثات زیادی در مورد جنایت و سیاستهای ضد انسانی حکومت اسلامی همراه بوده است.

موضوع مهم اینست و ما همیشه تاکید کرده ایم و نشان داده ایم که دفاع از محکومین به اعدام

نباید محدود به دفاع از زندانیان سیاسی محکوم به اعدام باشد. باید از همه دفاع کرد. ما چشم خودمان را به "دلایلی" که رژیم اعلام میکنند بسته ایم. حکومت اسلامی ایران لیاقت و شایستگی رسیدگی به هیچ جرمی را در دادگاههای کذایی خود ندارد. دادگاههای این حکومت بی ارزش و از قبل بدلیل ضد انسانی بودن، اتکا به قوانین قرون وسطایی شریعت، سیاسی و ایدئولوژیک بودن، بدلیل فساد و جنایتکاری از قبل صد در صد محکوم هستند.

پرنسیپی که ما از آن دفاع می‌کنیم اینست:

اعدام ضد انسانی و وحشیانه است و باید مطلقا در همه جای دنیا ممنوع شود. سیستم قضایی متکی به قوانین مذهبی و اسلامی باید در همه جا ممنوع شود. سیاست ما در بررسی جرائم و جنایات در جامعه نه بر اساس انتقام گیری بلکه بر اساس واکنش کردن جامعه در مقابل این جرائم و جنایات است و بنا بر این متکی به ابزارها و روشهای دیگری است. از جمله ما با حبس ابد مخالفیم، با شکنجه زندانی مخالفیم. هر درجه احترام به انسان و بالا بردن فرهنگ احترام گذاشتن به حقوق و حرمت انسانی، هر درجه بالا رفتن رفاه و فرهنگ انسانی و مقابله با فرهنگ ضد زن و ضد کودک، به امنیت آحاد جامعه کمک میکند.

اینجا دوست دارم اضافه کنم که نجات جان محکومین به اعدام امر و هدف ما بوده و لحظه به لحظه برای خنثی کردن سیاستهای رژیم و جنگی که از آنسوی خط اینها انجام میدادند، ما هم سیاستها و برنامه های خودمان را باید روشن کرده و به پیش می‌بریم. یکبار در یک مصاحبه گفتم، مثل اینست که بازی شطرنج انجام میدهیم در آنطرف خامنه ای و جلادان رنگارنگ نشسته اند و در اینطرف ما در حال انجام فعالیتهای بین المللی گسترده و انسانی هستیم. اینجا بهتر است اضافه کنم که مثلا وقتی دفتر چه تلفن من را ورق بزیند این اسامی را می بینید: فرزاد کمانگر، افسانه نوروزی، شهلا جاهد، مریم ایوبی،

صفحه ۴

زنده باد سوسیالیسم!

رضا پهلوی در بدر ...

راهی برای بعد از حکومت اسلامی جستجو کرد. اما علیرغم این افت و خیزها کمی که حرفهایش را خراش میدی متوجه میشوی که ایشان اساسا هنوز شاهزاده و بدنبال راه پدر است. با این تفاوت که شاهزاده ای از تخت افتاده است و در دوره ای به فعالیت سیاسی برای دست یافتن به تخت روی آورده است که تاریخ مصرف شاهان و ملوک و خلفا نه فقط در ایران بلکه در جهان تماما بسر آمده است. حقیقت هم اینست که اگر رضا پهلوی شاهزاده نباشد معلوم نیست چه کاره است. او نه فعال سیاسی است، نه جدال و مبارزه ای کرده است و نه صاحب نظریه و برنامه و پلاتفرم و تئوری ویژه ای است. او سابقه و تاریخی جز فرزند ذکور شاه بودن ندارد. به همین دلیل مشکل او را باید فهمید.

بهررو او در مصاحبه ای با رادیو فردا وقتی که دارد در مورد شورای هماهنگی کذایی حرف میزند آخرین جمله اش اینست: "جای دوری نرویم، امروز پس از مشاهده بهار عرب در کشورهای عربی، دیدیم هرگاه جهانیان تصمیم قاطع گرفتند در حمایت از این نیروها، حکومت مستبد را پایین کشیدند و به جای آن حکومتی که به دست مردم تعیین شده سر کار می آید. امروز مسئله سوریه را باید از نزدیک دنبال کرد و فکر می کنم به زودی نوبت ایران هم خواهد رسید..."

"تصمیم قاطع جهانیان" و "شورای انتقالی"!

تمام مساله همین دو جمله آخر است. او وقتی به "جهانیان" و "تصمیم قاطع" و "مساله لیبی" و سوریه اشاره میکند و میگوید بعد نوبت ایران خواهد رسید، تمام ماجرا را لو میدهد. "جهانیان" یعنی ناتو و آمریکا. "تصمیم قاطع" یعنی حمله نظامی. او بهار عرب را می بیند، سرنگونی مبارک و بن علی را مشاهده میکند، انقلاب سوریه و سرنگونی بشار اسد جلوی چشمش قرار دارد، و سرنگونی جمهوری اسلامی را گریز ناپذیر می بیند. و این ماموریت را بهعهده گرفته است

از صفحه ۱

که تلاش کند بجای سناریوی نوح مصر و تونس، یعنی انقلاب مردم برای به زیر کشیدن حکومت، تلاش کند زمینه را برای سناریوی نوح لیبی و "شورای انتقالی" در ایران آماده کند. زیرا کل بورژوازی یعنی نیروهای متعلق به طبقه سرمایه دار همین آرزو را دارند. البته به شرطی که نتوانند حکومت اسلامی را رام کنند و نگه دارند. این دومی از اولی طبعاً مناسب تر است. اما مساله اینست که اوضاع دارد طوری پیش میرود که امیدی به حفظ حکومت اسلامی باقی نمانده است. شکست دوم خرداد و شکست سناریوی موسوی و "بازگشت به دوره خمینی"، و بعد فرا رسیدن بهار عرب و بویژه انقلاب سوریه راهی جز سرنگونی حکومت اسلامی را در چشم انداز قرار نداده است. رضا پهلوی به همین دلیل یک "شورای هماهنگی" اعلام کرده است و از همه جریانات "چه در داخل و چه در خارج" دعوت کرده است که "به شرط پذیرش دو شرط اساسی یعنی حقوق بشر و تمامیت ارضی" و "طبعاً حکومت سکولار" به این شورای کذایی بپیوندند. این شورا هم از هم اکنون دست بکار سناریوی محاکمه خامنه ای شده است و طرح آترا به شورای امنیت سازمان ملل داده است تا از این طریق اسمی در کند و آماده شود که در اولین فرصت نظیر "شورای انتقالی لیبی" از جانب ملت ایران از ناتو دعوت کند که به ایران حمله نظامی کند. و معلوم است که اگر دوستان ناتو و غربی در راس امور سیاسی ایران قرار گیرند، جناب شاهزاده را در معیت بقیه سینه چاکان "تمامیت ارضی" ایران به اریکه قدرت خواهند کشید. حتما جریانات ملی اسلامی و لیبرال چپها و ناسیونالیستهای رنگارنگ دعای خیرشان را بدرقه چنین سناریویی خواهند کرد و بعضاً "سبزها" هم چراغ سبزی داده اند. اما تمام مساله همین "اگر" است. بطور واقعی این از در ماندگی و بی افقی کل نیروهای بورژوازی در برابر بحران سیاسی در ایران است که به امامزاده ای چون رضا پهلوی دخیل می بندند. و گرنه امید موفقیتی در این طرح و این

شورای کذایی در ایران کنونی قابل تصور نیست.

سناریوی پوچ

بهررو به جناب شاهزاده باید اطمینان کامل داد که کل این سناریو پوچ است. ایران از خیلی نظرها با کشورهایی نظیر لیبی و سوریه متفاوت است. در ایران جنبشی جریان دارد که جا افتاده تر و کار کشته تر از کشورهای دیگر همجوار است. در ایران جدال و مبارزه و جنگ و گریز با حکومت اسلامی سالهاست ادامه دارد. در ایران یک جنبش ضد مذهبی وسیع و عمیق جریان دارد که نه فقط خواهان جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش است بلکه سر سازشی بهیچوجه با مذهب ندارد. در ایران چه یک نیروی جدی و سازمان یافته و با پلاتفرم و برنامه روشن و شفاف است. در ایران جنبش کارگری ای قدرتمند سالهاست جریان دارد و یک روز از تلاش باز نایستاده است. در ایران مردم معنای "تمامیت ارضی" را تحت حکومت پدر تاجدار ایشان تجربه کرده اند و می شناسند. و میدانند که معنایی جز ستم و تبعیض و تحقیر مردم منتسب به ملیتهای مختلف و سرکوب هر صدای منتقد و مخالف تحت عنوان دفاع از تمامیت ارضی ایران نداشته و ندارد و نخواهد داشت. و بالاخره در ایران انقلاب و سرنگونی انقلابی زنده تر و جدی تر از آنست که بشود با ناتو و سناریوی لیبی مخلوشش کرد. قسم خوردن به "حقوق بشر" برای یک سلطنت طلب یک پیشرفت واقعی است. اما برای مردمی که گامها پیش آمده اند و خلاصی از فقر و تبعیض و سرکوب و بی اختیاری را میخواهند و با شعار "منزلت و معیشت" دست به جدال میزنند، چنگی به دل نمیزند بویژه که "تمامیت ارضی" کذایی هم به آن الصاق شده باشد. شاید مشاورین رضا پهلوی این حقایق را خیلی جدی نگیرند اما کسی که ذره ای در اوضاع سیاسی ایران عمیق شود و بتواند کمی تجسم کند که در شرایط گرفتن یک انقلاب دیگر در ایران چه اتفاقاتی خواهد افتاد، در این ها تردیدی نخواهد داشت. و همه اینها و بسیاری فاکتورها و عوامل دیگر،

انقلاب ایران را از انقلابات منطقه تا حد زیادی متمایز میکند. تازه یک نکته را هم نباید فراموش کرد و آن اینکه انقلاب در لیبی و سوریه و مصر و تونس نیز تمام نشده است و فعالانه ادامه دارد. قطعاً در آنجا هم جریاناتی نظیر طرفداران مصطفی عبدالجلیل و غنوشی و اخوان المسلمین و امثالهم برنده نهایی نخواهند بود. بلکه موانعی هستند که کارگران و مردم آنها را کنار میزنند و با هر روز جدال بیشتر با آنها بیشتر مسیر پیشروی خود برای دستیابی به دنیایی بهتر را باز

خواهند شناخت. جناب رضا پهلوی و شرکا و همه مشاورین ایشان هیچ تردیدی نباید داشته باشند که دوره شاه و ملوک و خلفا و کلا حکومتهای خودکامه بسر رسیده است. و اصلاحاتی از نوع اینکه "مثل اروپا شاه سلطنت خواهد کرد نه حکومت" هم بوی کپک زدگی عهد دایناسورها را میدهد. بسیاری از کودکان دبستانی در ایران هم جواب این ها را میدهند. اگر کسی تردیدی در این فاکتورها که اینجا خیلی خلاصه اشاره شد داشته باشد باید فکر جدی تری بحال خود بکند.*

حزب کمونیست کارگری ...

از صفحه ۱

جدی بودیم و تاثیرات مهمی نه فقط در مبارزه سیاسی امروز بلکه در تاریخ مقابله با اعدام در ایران بازی کردیم. در مورد فعالیتهای ما علیه اعدام میتوان کتابها نوشت. اما بطور خلاصه باید بگویم دستاوردهای این مبارزه و روشنی و قاطعیت ما در مقابله با اعدام مدیون منصور حکمت است. این دستاوردها که فراتر از حزب ما نیز هست و به نوعی در جامعه ایران در بین اپوزیسیون به یک فرهنگ تبدیل شده، مدیون روشن بینی و انسانگرایی عمیق و مبارزه جانانه منصور حکمت و حزب او در دفاع از پرنسیپ های کمونیستی، پیشرفته و انسانی مدرن بود. در خاتمه جا دارد همه علاقمندان و جوانان را به خواندن مصاحبه ها و نوشته های منصور حکمت علیه اعدام دعوت کنم که جلوه ای از تصویر انسانی او در مورد حق زندگی انسانهاست. *

لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

بازتاب هفته

صف های خرید سکه شاخصی برای بحران اقتصادی رژیم بهر روز مهرآبادی

صف های طولانی مردمی که هفته گذشته برای خرید سکه طلا در مقابل شعب بانک ملی ساعتها در انتظار بودند، عمق فاجعه اقتصادی در جمهوری اسلامی را نشان داد. افزایش قیمت سکه و ارز که در ماههای اخیر سرعت گرفته بود، ظاهرا دولت اسلامی را وادار به واکنش کرد تا برای ممانعت از بالاتر رفتن قیمت ها اقدام به فروش سکه توسط بانک ملی نماید. قیمت فروش هر چند پائینتر از بازار آزاد بود، اما با وجود اینکه نرخ جهانی طلا در پنج ماه گذشته به پائینترین قیمت رسیده است، بانک ملی نرخ رسمی سکه را بالاتر برد. وحشت مردم از وضعیت نابسامان اقتصادی و تورم روز افزون بسیاری از مردم را وادار کرده است تا آخرین اندوخته های خود را تبدیل به سکه یا ارز های معتبر کنند. طول صفهای خرید سکه و زمان طولانی انتظار را می توان شاخصی برای بی اعتمادی مردم به وضعیت اقتصادی رژیم هم به حساب آورد. هزاران نفر در هوای سرد زمستانی تمام شب در مقابل بانک ها بیدار ماندند اما کمتر کسی از مردم عادی امکان خرید این سکه ها را پیدا کرد، بسیاری از این خریداران کسانی بودند که توسط دلانان حرفه ای اجبر شده بودند، تا با خرید سکه دستمزد ناچیزی دریافت کنند. اما فروش سکه مجرای دیگری برای کسب سود های هنگفت توسط دلانان و عوامل رژیم بود که لزومی به ایستادن در صف و انتظار کشیدن نداشتند و در عرض چند روز میلیارد ها تومان از محل تفاوت قیمت سکه های دریافتی از بانک و بازار آزاد به جیب های خود سرازیر کردند.

از طول صف های خرید سکه کاسته نشد تا اینکه در آخرین ساعات شب یکشنبه دولت فروش مستقیم سکه را متوقف و طرح پیش فروش سکه را اعلام کرد. همزمان با بالا رفتن قیمت سکه قیمت ارز هم رکورد های جدیدی در

بازار کسب کرد. قیمت دلار در روز به ۱۶۰۰ تومان رسید، بسیاری از مراکز خرید و فروش ارز با توجه با نبود اطمینان از قیمت کار خود را متوقف کردند و بنا به گزارش های انتشار یافته در برخی موارد به ۱۷۰۰ تومان هم رسید. قیمت سکه در بازار آزاد هم تا ۶۳۰ هزار تومان رسید. قیمت دلار در اواخر آذر ماه یک سال قبل تقریباً ۱۰۵۰ تومان بود که می توان گفت در عرض یک سال بیش از ۵۰ درصد افزایش داشته است.

افزایش قیمت ارز و طلا اثرات خود را بر سایر اقلام مصرفی مردم داشته است و قیمت اجناس همانند نرخ ارز و سکه، ساعت به ساعت بالاتر می رود و می توان گفت که بار اصلی تورم سرسام آور و گرانی دهشتناک بدوش کارگران، زحمتکشان، حقوق بگیران و دهها میلیون نفر مردمی است که دستی در معاملات سکه و ارز ندارند.

در مقابل رسوائی بزرگ اقتصادی باند های رژیم انگشت اتهام را به طرف یک دیگر می گیرند. احمدی نژاد روز چهارشنبه در یک سخنرانی در ورامین گفت: "ذخایر ارزی کشور بسیار زیاد است تا حدی که در طول تاریخ ایران به این اندازه نبوده است. همچنین ذخیره طلا تا این اندازه نداشته ایم که اگر به آن اضافه نشود تا ۱۵ سال هم مصرف کنیم باز هم طلا داریم. نباید گذاشت که عده ای با دلال بازی با اقتصاد کشور ضربه زده و با خالی کردن جیب های مردم جیب های خود را پر کنند". جناح مخالف دولت این را ترفند دولت برای کسب درآمد بیشتر می داند. علیرضا منادی سفیدان عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس اسلامی گفت که دولت از گرانی ارز ۱۵ هزار میلیارد تومان سود برده و قصد دارد کسری بودجه خود را از طریق سود ناشی از گرانی سکه و ارز تامین کند. هر دو طرف بخشی از واقعیت را بیان می کنند، بجز سود های عظیم میلیاردری که از طریق بالا رفتن قیمت ها نصیب دلانان، تجار، سرمایه داران و صاحبان موسسه های بزرگ مالی می شود، دولت هم در این زمینه دست روی

دست نگذاشته است. قیمت رسمی فروش دلار و سکه توسط دولت دائماً بالاتر رفته است. قیمت رسمی دلار در روز چهارشنبه ۳۰ آذر ۱۵۰۰ تومان اعلام شد که نسبت به روز قبل ۵۱ تومان بیشتر بود. روز یکشنبه ۲۷ آذر قیمت پیش فروش سکه طلا ۵۴۶ هزار تومان تعیین شد که در یک مهلت ۴ ماهه تحویل داده می شود. سه روز قبل از آن یعنی در روز پنجشنبه ۲۴ آذر قیمت بانکی سکه ۵۳۸ هزار تومان اعلام شده بود یعنی در عرض سه روز قیمت رسمی آن ۸ هزار تومان بالا رفت. از طرف دیگر اگر بهره مبلغ پرداختی را با نرخ بانک های ایران یعنی تقریباً ۲۰ درصد در نظر بگیریم، قیمت سکه برای خریداران نزدیک به ۵۹۰ هزار تومان تمام می شود. یعنی سود آن به جیب دولت می رود و بار تورمی ناشی از آن باز هم بدوش مردم می افتد. اما گذشته از ادعاهای و قبحانه باند های سهمیم در قدرت جمهوری اسلامی و با هر توضیحی که مفسران اقتصادی داشته باشند، مردم بالا رفتن قیمت طلا و ارز و سایر اجناس در چند روزه اخیر را نشان بحران عمیق اقتصادی رژیم و ناتوانی آن در حل این بحران از طرفی و همچنین فلاکت و خانه خرابی خودشان می بینند. *

دیوار کوتاه اکبر شاه!

یاشار سهندی

انتخابات "مجلس اسلامی نزدیک است. گرم نگه داشتن "تنور انتخابات" یکی از اصلی ترین کارهای این حکومت است. در چند دوره اخیر انتخاباتی که در این حکومت برگزار شده هیزم این تنور با بر باد دادن حیثیت استوانه برخی میگویند ستون) خیمه نظام یعنی شخص هاشمی رفسنجانی فراهم شده است. این روزها عید خدایی دبیرکل جمعیت فدائیان اسلام در یک مصاحبه به سران حکومت توصیه کرد که برای ایجاد انگیزه در مردم برای شرکت در انتخابات باید فرزندان هاشمی را محاکمه کرد. البته حمله به هاشمی رفسنجانی قبل از فراخوان ایشان شروع شده بود. جوانفکر مشاور احمدی نژاد و رئیس خبرگزاری ایرنا "دور تازه حمله به هاشمی رفسنجانی را کلید زد" بعد، از استاندار اردبیل گرفته تا

رئیس بهمان نهادی که وابسته به احمدی نژاد است به هاشمی رفسنجانی حمله کردند. هاشمی رفسنجانی در مقابل این دور تازه حمله به خود او و خاندانش گفته: "به هر حال در حاضر بنا ندارم به دروغها و بد اخلاقیها پاسخ دهم، چرا که اعتقاد دارم در شرایطی که تیرهای زهرآگین تهدید و تحریم از سوی دشمنان به سمت کشور و مردم نشانه رفته، نباید به درگیریها و اختلافات افزود." اینکه هاشمی در خلوت خودش چقدر دارد خون خودش را میخورد که نمی تواند "مشت محکمی بر دهان یاهو گویان" بزند و آرزوی زمانی را میخورد که همه عوامل امنیتی در خدمت اش بودند و اگر کسی از حکومتیان امروز به او چه نگاه میکرد فردا مجبور بود (اگر عمری برایش باقی میماند!) در مورد وجنات امیرکبیر دوران سخن بگوید مسئله ای است که باید کسانی مانند مسعود بهنود و نوری زاده رمزگشایی کنند. چون آنقدر با بزرگان نشست و برخاست داشتند که اخلاقیات ایشان دست شان باشد.

اما همین شهرت رفسنجانی و خاندان او که مانند اختاپوس بر جان کشور افتاده اند و هرکاری را بخواهند انجام میدهند و هیچکس هم جلودارشان نیست، رفسنجانی را به یکی از منفورترین چهره های جمهوری اسلامی در نزد توده مردم بدل ساخت. "اکبر شاه" لقبی است که مردم به او دادند تا نفرت خود را به نمایش گذاشته باشند. حملات دوره ای و گاه و بیگاه به هاشمی رفسنجانی از سوی همپایگانی های خودش انعکاسی است از نفرت مردم

که آنها به خیال خود قصد دارند آن را "کانالیزه" کنند تا شاید "تنور انتخابات" گرم شود و در مردم انگیزه ایجاد کند. این حکومت میخواید روز رای گیری پای صندوقها شلوغ باشد. اینکه از صندوق چه کسی بیرون خواهد آمد قبلاً تصمیم گرفته شده. اتفاقات دو سال پیش نشان داد که چه اندازه رای مردم برای این حکومت محترم است! قبلاً اصلاح طلبان حکومتی وجود داشتند که خیلی زور میزدند که به مردم حقنه کنند که اگر مردم در انتخابات شرکت نکنند وضع از این هم بدتر خواهد شد. یا اینکه در هنگامه "مبارزات انتخاباتی برخی حرفها گفته میشود!" اما در این دوره آنها از خیر انتخابات گذشتند چون هم از حکومت رانده شده اند و هم سرکوب شدند. تنها کسی که مانده که بوسیله آن ظاهرا میشود تنور انتخابات را گرم نگه داشت هاشمی رفسنجانی است. یعنی دیواری کوتاهتر از او دیگر پیدا نمیشود! رفسنجانی هم باید لب فرو ببندد چون حکومتی که او برای سرپا نگه داشتن اش به هر جنایتی دست زده است، به شدت در معرض خطر سرنگونی است. او درک میکند که حمله به او چه آن زمان که اصلاح طلبان او را "عالیجناب سرخ پوش" خواندند چه اکنون که "گرداننده پشت پرده فتنه ۸۸" خوانده میشود برای "دفع بلا" است. هیچگونه ورد، جادو و برمالی، جن گیری، سرکوب و وحشیانه، و رسوا کردن امثال هاشمی از سوی خود حکومتیان نتوانسته است و نمی تواند این بلا از سر حکومت دور کند *

نشریه کمونیسیم کارگری شماره ۴ منتشر شد

مارکس و آزادی (بخش دوم)
محسن ابراهیمی

مطالب این شماره:
از "نظم نوین" تا انقلابات نوین!
حمید تقوائی

بحران جاری سرمایه داری و تئوری
مارکسیستی بحران
حمید تقوائی

دنیا واقعی "حقوق بشر"
ناصر اصغری

صد سال اعتصاب (بخش سوم)
مرتضی فاتح

چند فرهنگگرایی: ایدئولوژی نظم
نوین جهانی سیواش آذری



بازتاب هفته

رویدادهای منطقه در یک نگاه



محمد شکوهی

مصر: ادامه اعتراضات بر علیه نظامیان و سرکوب وحشیانه مردم!

در دو هفته اخیر بار دیگر مصر شاهد برپایی اعتراضات دهها هزار نفری بر علیه حکومت نظامیان بود. دوباره میدان تحریر و ساختمان پارلمان و وزارت کشور مصر صحنه اعتراضات باشکوه و یادآور روزهای رژیم مبارک شد. اعتراضات مردم مصر بعد از پایان دور اول مرحله نخست انتخابات و در اعتراض به بهانه تراشی های حکومت نظامیان برای ماندن در قدرت و عملی نشدن وعده های دولت های بر سر کار آورده شده از بعد از انقلاب آغاز گردید.

اطراف میدان تحریر و محل پارلمان مصر در طول سه هفته گذشته شاهد اعتراضات، تحصن و تجمعات مردم در اعتراض به دولت نظامیان بود. شعار اصلی اعتراضات دو هفته اخیر پایان حکومت نظامیان بود. از حدود دوهفته پیش و به دنبال استقبال بی نظیر مردم از فراخوانهای گروههای انقلابی مبنی بر شرکت در تظاهرات بر علیه حکومت نظامیان، صدها هزار نفر به میدان تحریر ریخته و خواهان پایان حکومت نظامیان شدند. از اواخر هفته گذشته و با ادامه اعتراضات، دولت فرمان حمله به تظاهرکنندگان در میدان تحریر را صادر کرد. فرماندهی نظامی مصر با صدور بیانیه ای تظاهرکنندگان و مردم را "ضدانقلاب" خواند و اقدام به سرکوب گسترده مردم کرد. نیروهای ارتش و پلیس به تظاهرکنندگان حمله کرده بیش از ۱۴ نفر را کشته و نزدیک به هزار نفر را زخمی و ۱۷۰ نفر را دستگیر کردند. اعتراضات کماکان ادامه دارد. حملات وحشیانه پلیس مصر به زنان تظاهرکننده و ضرب و شتم یک زن مبارز که فیلم آن روی اینترنت گذاشته شده و در سراسر

جهان انعکاس یافت، به تظاهرات حالتی انفجاری داد. در واکنش به حملات نیروهای ارتش و پلیس به زنان، در هفته اخیر تظاهرات های بزرگ زنان در محکومیت سرکوب ها و اقدامات دولت نظامیان در شهرهای قاهره و اسکندریه برگزار گردید. تظاهرکنندگان خواهان دستگیری و محاکمه عوامل پلیس که اقدام به سرکوبهای اخیر کرده اند شده و اعلام کرده اند که تا رسیدن به این خواستشان هر روز دست به تظاهرات خواهند زد. بعد از دو روز اعتراضات گسترده زنان، بالاخره حکومت نظامیان مجبور شد از مردم عذرخواهی کرده و قول بدهد که عاملان این جنایات را دستگیر و محاکمه نماید. علیرغم وعده های نظامیان اوضاع مصر کماکان ملتهب بوده و مردم منتظر اقدامات دولت نظامیان می باشند. در واکنش به اعتراضات دو هفته گذشته در قاهره احزاب و جریانات اسلامی بویژه اخوان المسلمین با صدور بیانیه ای از مردم خواسته است که در تظاهرات بر علیه حکومت شرکت نمایند و بهانه به دست "ضدانقلاب" ندهند. در واکنش به این فراخوان گروههایی از جوانان انقلابی به همراه احزاب چپ تازه تاسیس شده و اتحادیه های کارگری اعلام کرده اند که اخوان المسلمین و جریانات اسلامی در کنار حکومت نظامیان و بر علیه انقلاب مردم بوده و همسو با سیاستهای نظامیان، دست به سرکوب انقلاب مردم زده اند. این احزاب تاکید کرده اند که اعتراضات مردم در دوهفته ماهیت واقعی جریانات اسلامی را برای مردم روشنتر کرده و مردم انتظاری از این دار و دسته ها ندارند.

سوریه: تظاهرات دهها هزار نفری در دمشق!

رژیم اسد این هفته نیز دست به کشتار وسیع مردم زد. جنایات رژیم در مواجهه با انقلاب مردم حد و مرزی نمی شناسد. در ادامه انقلاب مردم در شهرهای مختلف سوریه تظاهراتی دهها هزار نفری ادامه پیدا کرد. برای اولین بار در طول این مدت دمشق پایتخت این کشور نیز صحنه تظاهراتی بزرگ بود و در منطقه "المیدان" این شهر تظاهرات

دهها هزار نفری بر علیه رژیم صورت گرفت. همچنین در شهرهای حلب، ادلب، حمص، درعا، دیرالزور، الزاویه، بانیاس اعتراضات میلیونی بر علیه رژیم ادامه داشت. در این شهرها میلیونها نفر بر علیه رژیم به خیابانها ریختند و عملاً قدرت در دست مردم و نیروهای مسلح معروف به "ارتش سوریه آزاد" می باشد. شهرهای حمص، درعا، بانیاس و حماه عملاً از دست رژیم خارج و تحت کنترل نیروهای مسلح مردم قرار دارد. نیروهای وفادار به رژیم علیرغم شدت و گستردگی سرکوب هایشان موفق نشده اند مردم را عقب برانند. توپ باران، گلوله باران و موشک باران شهرهای نامبرده ادامه دارد. شاهدان عینی که به مرز اردن و ترکیه گریخته اند به رسانه های جهانی اعلام کرده اند که با حمایت مردم مقاومت گسترده ای در این شهرها بر علیه حکومت، سازمان داده است.

تظاهرات دمشق در این هفته با توجه با اهمیت این شهر برای رژیم و علیرغم حکومت نظامی که ماهها است ادامه دارد، پایه های رژیم را به لرزه در آورده است. ارتش و نیروهای سرکوبگر در اوج وحشیگری و قساوت به تظاهراتی مردم در این شهر حمله کرده دهها نفر را کشته و صدها نفر را زخمی و دستگیر کردند. دمشق تبدیل به یک یادگان نظامی شده است. ترس و وحشت رژیم از ادامه اعتراضات در این شهر و نزدیک شدن امکان سرنگونی را می توان در واکنش های حکومت دید. رژیم اسد در ادامه وحشیگریهایش و برای ایجاد جو رعب و وحشت در میان رده های پائین ارتش، بویژه سربازان در این هفته بیش از ۸۰ نفر از سربازان جدا شده از ارتش را رسماً قتل عام کرد. فرماندهی ارتش رژیم با صدور اطلاعیه ای اعلام کرده است که سربازان فراری از ارتش که به مردم و ارتش آزاد سوریه پیوسته اند، در صورت دستگیری اعدام و خانواده های آنها باید جای فرزندان فراری شان را پر نمایند. بر اساس آخرین اخبار و گزارشات تعداد سربازان ملحق شده به مبارزه مردم بیش از ۱۸ هزار نفر می باشد. گزارشات رسیده از نواحی مرزی به ترکیه حاکی است که نیروهای سرکوبگر به بهانه کمک به زخمی شدگان دهها آمبولانس در دمشق و حمص به راه

انداخته اند، که از آنها برای نقل و انتقال دستگیرشدگان به مکانهای نامعلوم استفاده می نمایند. پزشکان و کادر بیمارستانها که موفق به فرار شده اند، اعلام کرده اند که همه زخمی شدگان و دستگیرشدگان به محلات و مناطقی که جنگ بین ارتش سوریه آزاد و نیروهای وفادار به رژیم دارد، منتقل گردیده و وحشیانه توسط ارتش اعدام شده و بعداً اطلاعیه داده اند که "گروههای تروریست" این کار را کرده اند.

در این هفته دولت روسیه از حامیان مهم رژیم اسد، ناچار شد در مقابل فشار های جهانی واکنش نشان دهد و پیش نویس قطعنامه ای را به شورای امنیت پیشنهاد کرد که در آن با تحریم ها مخالفت شده و اصلاحاتی را در حکومت سوریه پیشنهاد می کند. از سوی دیگر شنبه گذشته اتحادیه عرب یک التیماتوم سه روزه برای پذیرش طرح این اتحادیه مبنی بر توقف سرکوب ها و پذیرش نظارت خارجی بر تحولات سوریه داد. در تونس هم کنفرانس سه روزه شورای ملی سوریه برگزار شد. هدف اتحادیه عرب و ادار کردن رژیم به مذاکره و مصالحه با نیروهای طرفدار خود و سهیم شدن آنها در قدرت سیاسی است. جمهوری اسلامی هم تلاش دارد که بخش هایی از اپوزیسیون را به مذاکره با بشار اسد بکشاند و از این طریق بین نیروهای مخالف حکومت شکاف انداخته و برای رژیم اسد وقت بخرد. اما این تلاش ها تاکنون در مقابل مبارزات سرنگونی طلبانه مردم، جایی پیدا نکرده و عقب رانده شده اند. مردم به اتحادیه عرب و تقلاهایش نیز اعتمادی ندارند و شعار محوری در بعضی از تظاهرات ها در شهر های سوریه این بود: "اتحادیه عرب ما را می کشد".

بنظر می رسد که رژیم اسد نفس های آخرش را می کشد. انقلاب و تظاهراتی مردم به دمشق که مرکز قدرت رژیم می باشد، گسترش پیدا کرده است. راه برگشت و اصلاح برای رژیم باقی نمانده است، رژیم اسد همانند جمهوری اسلامی دریافته است که هر گونه عقب نشینی و یا انجام اصلاحات به معنی باز کردن راه پیشروی مردم است. مردم جز به

سرنگونی رژیم اسد به چیز دیگری رضایت نمی دهند. به همین دلیل است که هر روز بر میزان وحشیگری و جنایات این رژیم افزوده می شود. بر اساس آخرین اخبار و گزارشات از آغاز انقلاب مردم سوریه در ۹ ماه گذشته بیش از ۵۰۰۰ هزار نفر کشته، ۲۱ هزار نفر دستگیر و دهها هزار نفر زخمی گشته اند. بیش از ۵ شهر بزرگ و متوسط در اثر حملات وحشیانه ارتش ویران و صدها هزار نفر از مردم این شهرها خانه و کاشانه شان را از دست داده و فرار کرده اند. نه سرکوب، نه محاصره شهرها، نه وحشیگری حکومت اسد نتوانسته ذره ای خلل در عزم و اراده مردم برای به زیر کشیدن حکومت وارد نماید. مردم برای سرنگونی حکومت وارد نبرد نهایی با رژیم شده اند.

یمن: مردم خواستار محاکمه صالح دیکتاتور این کشور هستند!

در هفته گذشته اعتراضات گسترده مردم در شهرهای بزرگ بر علیه توافق شورای همکاری خلیج و سازمان ملل مبنی بر انتقال قدرت به معاون صالح ادامه یافت. بر اساس توافقات انجام شده صالح با دریافت تضمینهایی قرار است از یمن به مقصد عربستان خارج بشود. برای این امر تضمین هایی به وی داده شده است از جمله عدم دستگیری و محاکمه وی و نزدیکانش. با اعلام این توافقات از چندی پیش اعتراضات مردم گسترش پیدا کرده است. خواست مردم دستگیری صالح و محاکمه وی می باشد. تا اواخر این هفته دولت "وحدت ملی" این کشور و سازمان ملل به این خواست مردم واکنشی نشان نداده اند. در حالیکه اعتراضات مردم ادامه دارد، احزاب و دار و دسته های اسلامی جنگ با همدیگر برای گسترش مناطق تحت نفوذشان ادامه می دهند. بر اساس آخرین اخبار در هفته گذشته دهها نفر در درگیریها کشته شده اند. در بخش هایی از یمن عملاً این دار و دسته ها قدرت گرفته اند. در این میان دولت جدید یمن به بهانه "مبارزه با تروریسم" به حملات نظامی خود بر علیه این دار و دسته ها ادامه می دهد.*

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

خروج نیروهای آمریکا

از ... از صفحه ۱



آمریکا و چند هزار نفر از نیروهای متحدانش نیز تاکنون به قتل رسیده اند.

در ۸ سال گذشته قدرت سیاسی در عراق در اختیار ائتلافی از سرکردگان مذهبی و قومی بود که که پست های مختلف را بین خود تقسیم کرده بودند. پست های ریاست جمهوری، نخست وزیری، ریاست مجلس، وزرا و معاونان نخست وزیر بر حسب تعلق افراد به فرقه های مذهبی و یا قومی در اختیار آنها قرار گرفت. با نزدیک شدن موعد خروج نیروهای آمریکا از عراق کشمکش ها بین گروه های مختلف حکومتی آغاز شد تا در خلاء بوجود آمده بتوانند سهم بیشتری از قدرت به خود اختصاص داده و رقبا را به عقب برانند. نوری المالکی نخست وزیر و نماینده فرقه های شیعه که همکاری نزدیک با جمهوری اسلامی دارد حکم جلب طارق هاشمی یکی از معاونان جلال طالبانی - رئیس جمهور و نماینده احزاب کرد - را گرفت. اتهام وی تدارک ترور نوری المالکی است. طارق هاشمی وابسته به ائتلاف

عراق ادامه دارد و می رود که ابعاد تازه ای پیدا کند. این انفجار ها را نمی توان بدون ارتباط با اختلافات و کشمکش بین احزاب مذهبی و قبیله ای حاکم بر جامعه و زندگی مردم عراق دانست. هنوز آخرین نفرات نیروهای آمریکایی از عراق خارج نشده بود، که تنش در درون حکومت عراق بالا گرفت و خطر بالا گرفتن جنگ های مذهبی و قومی بیشتر شد. با سقوط صدام حسین و اشغال عراق توسط نیروهای آمریکایی و متحدانش، عقب مانده ترین نیروهای مذهبی و قومی به جلو آورده شده و قدرت سیاسی بین آنها تقسیم شد. از سال ۱۳۸۲ تاکنون کمتر روزی بوده که خبری از ترور و انفجار بمب و کشته و زخمی شدن عده ای از مردم عراق انتشار نیافته باشد. شمار مردمی که طی این سالهای خون و بمب و آتش کشتار شده اند روشن نیست اما گفته میشود چند صد هزار نفر از مردم بی دفاع توسط طرفین جنگ تروریستها به قتل رسیده اند. مردمی که تنها جرمشان این است که به یک گروه مذهبی و یا قومی نسبت داده شده اند. علاوه بر اینها حدود ۵۰۰۰ نفر از نیروهای

العراقیه یعنی احزاب فرقه های سنی مذهب است و با رفتن به مناطق خود مختار شمال عراق از تسلیم شدن، خودداری کرده و خواستار بررسی پرونده خود در کردستان شده است. از طرف دیگر نوری المالکی از پارلمان خواسته است صالح مطلق یکی از معاونان خودش را برکنار کند. صالح مطلق نیز از وابستگان به ائتلاف العراقیه است هفته گذشته در سخنان شدید الحنی با انتقاد از روشهای نابخردانه مالکی، او را "دیکتاتوری بدتر از صدام"، خطاب کرد. در واکنش به اقدامات نوری المالکی، ائتلاف العراقیه به رهبری ایاد علاوی که مورد حمایت عربستان است، حضور نمایندگان خود را در پارلمان به حالت تعلیق در آورد و نشست های اخیر مجلس عراق به دلیل به حد نصاب نرسیدن برگزار نشده است. وزیران وابسته به این ائتلاف نیز از حضور در کابینه به در محل های کار خود خودداری کرده اند. نوری المالکی تهدید کرده است که در صورتی که آنها پس از ده روز به سر کار خود برنگردند، وزرای جدیدی را بجای آنها منصوب خواهد کرد.

به این ترتیب دولت وحدت ملی که یک سال پیش و بعد از مدتهای طولانی تنش و با میانجیگری آمریکا تشکیل شد، در معرض

متلاشی شدن است. مسعود بارزانی رئیس دولت کردستان عراق خواستار برگزاری کنفرانس ملی با شرکت احزاب سهیم در قدرت شده است و در مورد بروز یک بحران عمیق هشدار داده است. کاخ سفید هم با صدور بیانیه ای خواستار حل اختلافات بطور مسالمت آمیز شده است. نوری المالکی دو هفته قبل به آمریکا سفر کرد و در ۲۲ آذر با اوباما ملاقات داشت. بر اساس اخبار انتشار یافته موضوع اصلی این ملاقات گسترش سرمایه گذاری های آمریکا در عراق و دادن تضمین برای حفظ منافع سرمایه داران آمریکایی در این کشور بوده است. هر چند که نیروهای نظامی آمریکا از عراق خارج شده اند، اما بخشی از این نیروها برای آموزش ارتش و ارگانهای مختلف امنیتی و اقتصادی باقی مانده اند. دادن مصونیت قضائی به این افراد برای مدتها موضوع مذاکره و بحث بین دولت آمریکا و دولت عراق بود. و سرانجام این نیروها به عنوان کارمندان سفارت آمریکا از مصونیت دیپلماتیک برخوردار شدند. در حال حاضر این سفارت با داشتن ۱۶ هزار نفر کارمند رکورد جدیدی از تعداد دیپلمات های یک سفارت خانه در یک کشور خارجی، به جا گذاشته است. باند های مختلف مذهبی و قومی در چند سال گذشته

ساکنین اردوگاه اشرف باید به یک کشور ثالث و امن منتقل شوند!

نظارت سازمان ملل انجام گیرد و زمان لازم و کافی به آن اختصاص داده شود. برای ساکنین این اردوگاه و همه مردم آزادیخواه مساله واقعی برخلاف مواضع و تبلیغات رهبری مجاهدین، نه باز نگاهداشتن و حفظ اردوگاه، بلکه نجات جان انسانهایی

و توافقات ضد انسانی دول ارتجاعی در منطقه قرار گیرد. همچنانکه ما تا کنون تاکید کرده ایم راه حل فوری برای نجات افراد مستقر در این کمپ برسمیت شناختن حق پناهندگی آنها و انتقال آنها به یک کشور ثالث است. این پروسه ایست که باید تحت

با نزدیک شدن پایان مهلت دولت عراق برای بستن اردوگاه اشرف، جان و زندگی ۳۴۰۰ نفر افراد مستقر در این اردوگاه در معرض خطر است. از این فاجعه انسانی باید جلوگیری کرد و نباید اجازه داد که جان مخالفین جمهوری اسلامی دستمایه سازش ها

جمهوری اسلامی، بی مهابا تر در جنایت

بهروز مهرآبادی

کوچکی از جنایات رژیم را بیان می کند به صدور احکام بیشمار اعدام از جمله اعدام کودکان، قطع اعضای بدن، خشونت علیه زنان و تبعیض جنسیتی اشاره دارد. صدور این قطعنامه هر چند منزوی شدن بیشتر رژیم را نشان می دهد اما آب از سر جمهوری اسلامی گذشته است و توحش این رژیم در مقابل چشم مردم دنیا قرار گرفته است. جمهوری

جمهوری اسلامی روز ۲۹ آذر بار دیگر بخاطر زیر پا گذاشتن حقوق بشر، در مجمع عمومی سازمان ملل محکوم شد. در قطعنامه مجمع عمومی در مورد ادامه نقض حقوق بشر توسط حکومت اسلامی اظهار نگرانی شده است. این قطعنامه که بخش

خود را سازماندهی کرده و مترصد فرصتی برای حذف حریفان دیگر هستند. هر کدام از باند ها از حمایت مالی و تسلیحاتی دولت هایی نظیر ایران، عربستان و ترکیه برخوردارند، و مناطق تحت سلطه خود را بوجود آورده و به چپاول و سرکوب مردم مشغولند. احزاب چپ و آزادیخواه، تشکل های کارگری و سازمان های دفاع از حقوق انسانی و هر حرکت اعتراضی و حق طلبانه مردم، مورد حملات مداوم این باند ها قرار دارند. باید انتظار تحولات و جدال های جدیدی در عراق را داشت. یک سوی این جدال احزاب مرتجع هستند که بر سر تکه های پاره های عراق به جان هم افتاده اند و سوی دیگر آن مردمی که از فقر و فلاکت و سرکوب و تروریسم و سلطه قوانین اسلامی توسط احزاب حاکم به جان آمده و خواستار پایان دادن به حکومت آنها در این کشور هستند. پایان کشتار و خونریزی و تلاش برای ساختن یک جامعه آزاد، برابر و سکولار در عراق بدون کوتاه کردن دست باند های مذهبی و قبیله ای حاکم، امکان پذیر نیست. تنها امید اکنون موج انقلابات در منطقه است که میتواند نسیم آن به عراق جنگ زده و تکه پاره شده نیز برسد و فضایی برای نفس کشیدن مردم محروم ایجاد نماید.*

میخواهیم که دولت عراق را تحت فشار قرار دهند تا تسهیلات لازم برای انتقال ساکنین اردوگاه اشرف به یک کشور ثالث را فراهم آورد و در اسرع وقت امر انتقال داوطلبانه این افراد به یک کشور امن عملی شود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ آذر ۱۳۹۰، ۱۷ دسامبر ۲۰۱۱

است که در منگنه سازشهای دولتهای ارتجاعی ایران و عراق و در اثر سیاستهای تا کنونی رهبری مجاهد به این وضعیت دچار شده اند.

ما از همه احزاب و سازمانهای مدافع آزادی و حقوق انسانی و از کلیه نهادهای بین المللی مربوط به حقوق مهاجرین و امور پناهندگی

با انجام تشریفات قانونی باید در ملاعام باشد. چرا که ما تابع نص قرآن و اسلام هستیم." او در سخنان خود از تشدید مجازات های اسلامی سخن گفت. روایات در باره حکومت هایی که افتخارشان به کشتن و غارت و قطع دست و پا و

اسلامی نه تنها کوچکترین تلاشی برای پنهان ساختن جنایات خود ندارد، بلکه بی مهابا آن را جار می زند. در واکنش به قطعنامه اخیر مجمع عمومی سازمان ملل و محکومیت جمهوری اسلامی، صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه رژیم بر انجام و ادامه اجرای احکام اعدام و قصاص تاکید کرد و آن را برابر موازین اسلام دانست. او اعلام کرد که انجام اعدام ها بایستی "بر اساس قانون و شریعت اسلامی ... و

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

اساس سوسیالیسم انسان است!

اطلاعیه شماره ۲۱:

رضا شهابی به اعتصاب غذای خود خاتمه داد

رضا شهابی باید فوراً از زندان آزاد شود



بنا بر اخبار منتشر شده روز ۱ دی رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای واحد به درخواست خانواده و دوستدارانش در حالیکه در بخش ICU بیمارستان هزار تخت خوابی بستری است، به اعتصاب غذای سی روزه خود خاتمه داد. رضا شهابی از روز اول آذر در اعتراض به ادامه بازداشت خود و وضعیت وخیم جسمانی اش دست به اعتصاب زده بود. او اعلام کرد که بنا به درخواست فعالان و تشکلهای کارگری اکنون که به بیمارستان منتقل شده است و قرار شده زیر نظارت خانواده تحت عمل جراحی قرار گیرد، به اعتصاب غذایش خاتمه میدهد.

رضا شهابی از ۲۲ خرداد ۸۹ در زندان است. جرم او شرکت در مبارزات با شکوه کارگران شرکت واحد در سال ۸۴ و تلاش این کارگران برای ایجاد تشکل خود یعنی سندیکای واحد است. او در طول یکسال بازداشتش زیر فشار فراوان قرار گرفت و اکنون در وضعیت جسمی بدی بسر میبرد و از ناحیه مهره های گردن، دچار آسیب های جدی شده و خطر فلج شدن او را تهدید میکند. و از همین رو نیاز به جراحی فوری دارد. جمهوری اسلامی در قبال وضعیت وخیم جسمی ای که رضا در زندان پیدا کرده است مسئول است. رضا شهابی باید فوراً و بدون قید و

شرط از زندان آزاد شده و تا بهبودی کامل باید تحت پوشش پزشکی و درمان لازم قرار گیرد.

علاوه بر رضا شهابی، ابراهیم مددی یک عضو دیگر سندیکای واحد، بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری و فعال دفاع از حقوق کودک، رسول بداعی عضو کانون صنفی معلمان و علی نجاتی از اعضای هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه در زندانند. همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲ دی ۹۰، ۲۳ دسامبر ۲۰۱۱

**کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!****کمپین برای آزادی کارگران زندانی**

شهرلا دانشفر
shahla_daneshfar@yahoo.com
00447779898968

بهرام سروش
bahram.soroush@gmail.com
0044-7852 338334

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

آکسیون اعتراضی در تورنتو در کانادا، در حمایت از رضا شهابی و کارگران زندانی

برگزار کردند. کارگران در این تجمع خواستار ۲۷ ماه حقوق معوقه و پاسخ به وعدههایی که دولت به کارگران شرکت داده ولی تا کنون عملی نشده گردیدند.

مبارزات مردم ایران علیه حکومت اسلامی دعوت میکردند. این تجمع مورد استقبال مردم قرار گرفت و همچون چندین ماه گذشته هزاران نفر از مردم که برای خرید پایان سال و

زندانیهای سیاسی به مردم اطلاعات میدادند و آنها را به حمایت از کارگران زندانی و اعتراض به جمهوری اسلامی فرا خواندند. تجمع کنندگان حاضرین را به حمایت از

دفاع از رضا شهابی و همه زندانیان سیاسی و در مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی دست به تجمع زدند. این فعالین در مورد وضعیت رضا شهابی و کلا کارگران زندانی و

روز ۲۲ دسامبر فعالین ایران سولیداریتی و همچنین فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در شهر تورنتو کانادا به مدت دو ساعت در یکی از مراکز اصلی این شهر در



برگزار کردند. کارگران در این تجمع خواستار ۲۷ ماه حقوق معوقه و پاسخ به وعدههایی که دولت به کارگران شرکت داده ولی تا کنون عملی نشده گردیدند.

کارگران شرکت مخابرات راه دور شیراز تجمع اعتراضی بر کردند

بیش از ۲۰۰ تن از کارگران شرکت مخابرات راه دور شیراز روز شنبه ۲۶ آذر از ساعت ۹ صبح در محوطه شرکت تجمع اعتراضی

یورش برد که با مقاومت آنان رویو گردید. کارگران معترض در دفاع از خود با ماموران سرویگر رژیم درگیر شدند و به زد و خورد با آنان پرداختند. در جریان این درگیری شماری از کارگران معترض بازداشت و به پاسگاه نیروی انتظامی منتقل شدند.

حضور در محل و توسل به اقدامات سرکوبگرانه، تلاش کردند تا کارگران معترض را پراکنده سازند. این خبر می افزاید، روز چهارشنبه ۲۳ آذر، نیروی انتظامی رژیم به همراه شماری از ماموران حراست پالایشگاه آبادان، به تجمع کارگران اخراجی و بیکار

تجمع اعتراضی کارگران اخراجی و بیکار در آبادان

دهها نفر از کارگران اخراجی و بیکار با تجمع در مقابل پالایشگاه آبادان، ضمن اعتراض به وضعیت فلاکتبار خود، خواهان بازگشت به کار شدند. همزمان نیروی انتظامی رژیم با

باز هم در مورد ... از صفحه ۱



"مسئولان نمی‌توانند با وعده‌های مالی خانواده قربانیان را تطمیع کنند و ما برای مشخص شدن مقصران این حادثه تا آخر می‌ایستیم" و بعد ادامه می‌دهد: "مالکان این کارخانه صرفاً روی فقر کارگران حساب باز می‌کرده اند و آنان را به کار می‌گرفتند؛ به بیان دیگر کار را با جان کارگران معاوضه می‌کردند.

حسن ایزدی همچنین در واکنش به سخنان ابراهیم نظری جلالی معاون روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی جمهوری اسلامی که از تشکیل هیئتی جهت دیدار با خانواده‌های قربانیان خبر داده و یکی از وظایف این هیئت را رسیدگی به وضعیت معیشتی بازماندگان عنوان کرده بود می‌گوید: "مسئولان قبل از اینکه برادرش به خاطر نیاز به کار کشته شود می‌بایست پیشگیری می‌کردند و رسیدگی به وضعیت

فعلی معیشت خانواده او در حوزه مسئولیت آنان نیست."

حسن ایزدی با اشاره به اینکه برادرش تنها از دو ماه پیش در این کارخانه استخدام شده بوده، به نقل از برادرش از وضعیت بسیار نابسامان ایمنی کار در فولاد غدیر یزد و اینکه هر روز کارگران شاهد حادثه ای بوده اند صحبت می‌کنند. به طوری که خانواده وی از محمد برادرش خواسته بودند که کارش را رها کند و وی نیز برای ترک کار در انتظار پایان ماه و دریافت حقوقش بوده که متأسفانه در انفجار روز ۲۱ آذر جانش را از دست می‌دهد.

حسن ایزدی با اشاره به اینکه برادرش ناآرور مادر و برادر کوچک دیگرشان بوده، وضعیت معیشتی

خانواده‌های سایر کشته‌شدگان و بازماندگان را چنان تاسفبار دانست که خانواده‌او با دیدن فقر آنان درد خود را فراموش کرده‌اند.

صحبت‌های تکان‌دهنده حسن ایزدی برادر محمد کارگر جانبناخته در کارخانه نورد فولاد غدیر یزد به روشنی ابعاد جنایتی که در این کارخانه روی داده است را بیان می‌کند. صحبت‌های او مبنی بر نا امنی محیط کار در این کارخانه و بی‌خیالی مدیران و دولت در برابر جان و زندگی کارگران سند روشنی از جنایت آشکار صاحبان سرمایه در این کارخانه است. و بطور واقعی آنچه در نورد فولاد غدیر یزد روی داد، جنایتی است که هر روزه در این کارخانه و آن شاهدش هستیم. کارفرمایان خونخوار در سایه حکومت اسلامی جنایت‌کارشان با خون کارگران سود می‌آفرینند.

در ۲۱ آذر امسال ما شاهد این هستیم که کارگران یک شیفت در

کارخانه غدیر یزد تماماً قربانیان انفجاری میشوند که در آنجا روی می‌دهد. جنایتی که از سال ۸۶ تا کنون ۵ بار دیگر نظیرش در این کارخانه صورت گرفته است و سال گذشته نیز یکی دیگر از کارگران این کارخانه در جریان انفجار جان باخت. و این جنایتکاران همچنان به کارشان ادامه داده‌اند. و جانین اسلامی هم در برابر کل این جنایت سکوت کرده و در تکاپو برای آرام کردن اوضاع از تشکیل هیئت بررسی سخن می‌گویند. خانواده‌های کارگران عزیزانشان را از دست داده‌اند و این جنایتکاران در فکر ماستمالی کردن جنایت از تقبل هزینه دفن و پرداخت چندقازی به بازماندگان آنان هستند. اما کارگران و خانواده‌های کارگران جانبناخته کوتاه نخواهند آمد. جنایتی با چنین ابعاد، امری فراموش نشدنی است. و همانطور که حسن ایزدی برادر محمد کارگر جانبناخته تاکید دارد باید عاملان این

جنایت آشکار محاکمه شوند. محمد ایزدی و ۱۷ کارگر دیگری که در این اتفاق ناگوار جان خود را از دست دادند، همگی قربانیان سودجویی مشتی سرمایه دار مفتخوردند که در پرتو حمایت‌های دولت آشکارا جنایت می‌کنند. کارگران غدیر یزد و خانواده‌های کارگران جانبناخته عاملین جنایتی که در این کارخانه روی داده است را می‌شناسند و در برابر این جنایت کوتاه نخواهند آمد. یاد محمد ایزدی، عدنان عزیزی، عبدالحمید صادقی، مصیبت کریمی‌راد، مراد خالقیپور، ایرج مهاجر، ولی محمدی، رحم‌الدین نورزهی، خداررحم اولیازهی، محمد ایزدی، هاشم عابدینی، رضا خالقیپور فرزند علیداد، رضا خالقیپور فرزند چراغ، پویا عزیزی، جاسیر سینگ، بهروزعلی چشم برزمین، سید مسعود هاشمی گرامی باد. ناپود باد نظام سرمایه داری. مرگ بر جمهوری اسلامی.*

کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران برگزار میشود

لیست نمایندگان کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران در مرحله انتخابات سراسری به ترتیب درصد آرا

قابل توجه عموم!

کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران در ماه فوریه ۲۰۱۲ در یکی از کشورهای اروپایی برگزار میشود. شرکت در کنگره برای عموم آزاد است. چنانچه مایل به شرکت در کنگره هستید، برای ثبت نام با آدرس زیر تماس بگیرید.

Congress8@gmail.com

لیست نمایندگان کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران در مرحله انتخابات سراسری به ترتیب درصد آرا:

- ۱- حمید تقوایی ۹۶٪
- ۲- اصغر کریمی ۹۴٪
- ۳- شهاب دانشفر ۹۴٪
- ۴- مینا احدی ۹۳٪
- ۵- مریم نمازی ۹۱٪
- ۶- خلیل کیوان ۸۹٪
- ۷- مصطفی صابر ۸۸٪
- ۸- فاتح بهرامی ۸۷٪
- ۹- کاظم نیکخواه ۸۶٪
- ۱۰- محمد آسنگران ۸۶٪
- ۱۱- محسن ابراهیمی ۸۵٪
- ۱۲- شیوا محبوبی ۸۵٪
- ۱۳- کیوان جاوید ۸۴٪
- ۱۴- عبدالله اسدی ۸۳٪
- ۱۵- نازنین برومند ۸۳٪
- ۱۶- سهیلا شریفی ۸۳٪
- ۱۷- حسن صالحی ۸۰٪
- ۱۸- عبدل گلپریان ۸۰٪
- ۱۹- فریده آرمآن ۷۹٪
- ۲۰- سیما بهاری ۷۹٪
- ۲۱- نوید مینائی ۷۷٪



- | | | | |
|-------------------------|--------------------------------|---------------------------|--------------------------|
| ۸۸- ازگور پالچین ۳۶٪ | ۷۴- صابر رحیمی ۴۴٪ | ۴۸- پتی دوتینیتاس ۶۱٪ | ۲۲- سیامک بهاری ۷۷٪ |
| ۸۹- گیتی آقاجانی ۳۶٪ | ۷۵- علی مرادی ۴۳٪ | ۴۹- فریبرز پویا ۶۰٪ | ۲۳- مرسده قانلی ۷۷٪ |
| ۹۰- کاوش مهران ۳۵٪ | ۷۶- پیام آذر ۴۳٪ | ۵۰- ایرج فرجاد ۶۰٪ | ۲۴- ناصر اصغری ۷۶٪ |
| ۹۱- آناهیتا روشن ۳۴٪ | ۷۷- سعید اصلی ۴۳٪ | ۵۱- رضا مرادی ۶۰٪ | ۲۵- عصام شکری ۷۴٪ |
| ۹۲- فرزانه درخشان ۳۴٪ | ۷۸- شهاب بهرامی ۴۲٪ | ۵۲- رحیم یزدانپرست ۶۰٪ | ۲۶- بهرام سروش ۷۴٪ |
| ۹۳- هوشیار سروش ۳۴٪ | ۷۹- بهمن ذاکر نژاد ۴۲٪ | ۵۳- عباس گویا ۵۹٪ | ۲۷- امیر توکلی ۷۳٪ |
| ۹۴- سیامک مکی ۳۴٪ | ۸۰- ضافتحی (فرامرز قربانی) ۴۲٪ | ۵۴- غلام اکبری ۵۸٪ | ۲۸- شهناز مرتب ۷۳٪ |
| ۹۵- مسعود آذر نوش ۳۳٪ | ۸۱- سیاوش آذری ۴۱٪ | ۵۵- بهروز مهربادی ۵۶٪ | ۲۹- بابک یزدی ۷۳٪ |
| ۹۶- حیدر گویلی ۳۳٪ | ۸۲- سارا نخعی ۴۰٪ | ۵۶- شمه صلواتی ۵۶٪ | ۳۰- افسانه وحدت ۷۲٪ |
| ۹۷- رضا آزموده ۳۱٪ | ۸۳- هادی وقفی ۴۰٪ | ۵۷- آذر پویا ۵۵٪ | ۳۱- فرشاد حسینی ۷۱٪ |
| ۹۸- خبات مجید ۳۱٪ | ۸۴- علی محسنی ۴۰٪ | ۵۸- محمد رضا پویا ۵۳٪ | ۳۲- پدی محمودی ۷۰٪ |
| ۹۹- آران رضائی ۳۱٪ | ۸۵- سهیلا خسروی ۳۹٪ | ۵۹- سیامک امجدی ۵۳٪ | ۳۳- محمد امین کمانگر ۷۰٪ |
| ۱۰۰- روزبه اسماعیلی ۲۹٪ | ۸۶- سعید ویسی ۳۸٪ | ۶۰- سعید پرتو ۵۲٪ | ۳۴- مهین علیپور ۶۸٪ |
| | ۸۷- فاضل نادری ۳۷٪ | ۶۱- فواد روشن (رزگار) ۵۲٪ | ۳۵- جلیل جلیلی ۶۸٪ |

قابل توجه اعضا حزب کمونیست کارگری ایران!

آگهی انتخابات محلی (تشکیلات های کشوری) کنگره ۸ حزب کمونیست کارگری ایران

سه‌میه انتخابات تشکیلات های کشوری ۵۲ نفر است. برای اعلام کاندیداتوری به مسئولین تشکیلات محل خود مراجعه نمایید. آخرین مهلت برای اعلام کاندیداتوری در این مرحله از انتخابات ۲۸ دسامبر است.

مستول انتخابات کنگره ۸
0046704158999

ایمیل: congress8@gmail.co

- | | | | |
|-------------------------|------------------------|------------------------|------------------------|
| ۶۲- بهروز بهاری ۵۱٪ | ۳۶- کیان آذر ۶۷٪ | ۳۷- محمد شکوهی ۶۷٪ | ۳۷- محمد شکوهی ۶۷٪ |
| ۶۳- فرشته مرادی ۵۱٪ | ۳۸- میترا دانشی ۶۶٪ | ۳۸- میترا دانشی ۶۶٪ | ۳۸- میترا دانشی ۶۶٪ |
| ۶۴- عباس ماندگار ۵۰٪ | ۳۹- کریم شاه محمدی ۶۶٪ | ۳۹- کریم شاه محمدی ۶۶٪ | ۳۹- کریم شاه محمدی ۶۶٪ |
| ۶۵- رویا بحرینی ۵۰٪ | ۴۰- مرتضی فاتح ۶۶٪ | ۴۰- مرتضی فاتح ۶۶٪ | ۴۰- مرتضی فاتح ۶۶٪ |
| ۶۶- حبیب بکتاش ۵۰٪ | ۴۱- جمیل فرزاد ۶۵٪ | ۴۱- جمیل فرزاد ۶۵٪ | ۴۱- جمیل فرزاد ۶۵٪ |
| ۶۷- پدی کوهی ۴۹٪ | ۴۲- بهمن خانی ۶۴٪ | ۴۲- بهمن خانی ۶۴٪ | ۴۲- بهمن خانی ۶۴٪ |
| ۶۸- محبوبه سپاهمردی ۴۸٪ | ۴۳- ایمان شیرعلی ۶۳٪ | ۴۳- ایمان شیرعلی ۶۳٪ | ۴۳- ایمان شیرعلی ۶۳٪ |
| ۶۹- زری اصلی ۴۷٪ | ۴۴- سمیر نوری ۶۳٪ | ۴۴- سمیر نوری ۶۳٪ | ۴۴- سمیر نوری ۶۳٪ |
| ۷۰- مهران محبوبی ۴۶٪ | ۴۵- آوات فرخی ۶۲٪ | ۴۵- آوات فرخی ۶۲٪ | ۴۵- آوات فرخی ۶۲٪ |
| ۷۱- بهار میلانی ۴۶٪ | ۴۶- نازنین صدیقی ۶۱٪ | ۴۶- نازنین صدیقی ۶۱٪ | ۴۶- نازنین صدیقی ۶۱٪ |
| ۷۲- مریم طاهری ۴۵٪ | ۴۷- فریدون فرهی ۶۱٪ | ۴۷- فریدون فرهی ۶۱٪ | ۴۷- فریدون فرهی ۶۱٪ |
| ۷۳- شهاب خباززاده ۴۴٪ | | | |



یک فاجعه دلخراش دیگر! بیش از دویست پناهجو جان خود را از دست دادند!

شامگاه شنبه ۱۷ دسامبر، ۲۶ آذر ماه، یک کشتی مملو از پناهجویان در آبهای ساحلی اندونزی در میان امواج سهمگین دریا، واژگون و تکه پاره شد، حدود دویست و پنجاه پناهجویی که اکثرا از کشورهای ایران، افغانستان، عراق و ترکیه بودند. جان خود را از دست دادند.

این کشتی که از جنس فایبرگلاس بود و حداکثر، مجاز به حمل صد مسافر در شرایط آب و هوایی مناسب بود، با بیش از دو برابر ظرفیت خود، بدون امکانات فنی مواجه با شرایط اضطراری در فاصله ۷۰ کیلومتری شهر ساحلی "پریگی" در شرق جزیره جاوا طعمه امواج دریا گردید.

پناهجویان بازمانده نقل کرده اند که اغلب آنها با پرداخت مبالغ گزافی، از دویی به جاکارتا پرواز کرده اند، سپس با چهار اتوبوس، با ظرفیت ۶۰ نفر، به پریگی آمده اند تا خود را با این کشتی به کریسمس آیلند در استرالیا برسانند و تقاضای پناهندگی کنند. بازماندگان پس از واژگون شدن کشتی، بیش از شش ساعت در

شرایط فلاکتباری است که هزاران انسان را چنان به ستوه می آورد که از خانه و کاشانه خود بگریزند، به هر خطری تن دهند تا سرپناهی امن بیابند! شاید بتوانند در شرایط بهتری زندگی کنند، فرار از جهنم هایی مانند جمهوری اسلامی ایران، افغانستان و عراق بخشی از تلاش هزاران انسانی است که راهی جز گریز نمی یابند.

فاجعه غرق کشتی پناهجویان جلوه خشنی از بی حقوقی و بی ارزشی جان انسانهاست! تصویر دلخراشی از در به دری و آوارگی انسانهایی که یک زندگی بهتر را حق مسلم خود میدانند.

اگر حق اسکان در هر جای دنیا حق مسلم هر انسانی بشمار میرفت، یا حتی اگر سیاست پناهنده پذیری دولتها انسانی می بود، چنین حادثه ای قطعا رخ نمیداد. دنیای پناهندگی دنیای نا امنی

است که قوانین ضد بشری و ضد پناهندگی دولتها آنرا به دنیایی مملو از وحشت و مصیبت بدل کرده است. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی خود را شریک غم و مصیبت این پناهجویان میدانند. فلسفه وجودی این نهاد این است که شرایط انسانی برای پذیرفتن همه پناهجویان ایجاد شود تا چنین مصایبی هرگز تکرار نشود.

ما ضمن پیگیری این فاجعه غم انگیز، انگشت اتهام را پیش از هر چیز به سوی دولت استرالیا نشانه میرویم که با تصویب قوانین سخت گیرانه و شدت غیرانسانی پناهندگی بیش از هر وقت دیگر ورود به این کشور و امکان اقامت را غیر ممکن کرده است. این یک بخش از همسویی دولت استرالیا با جانیان حاکم بر مردم در کشورهایی مانند جمهوری اسلامی ایران، افغانستان و عراق است.

تلاش ما این است که با بازماندگان این فاجعه هولناک تماس مستقیم داشته باشیم تا بتوانیم در دفاع از حق پناهندگی آنان کوشش کنیم. همین جا از همه کسانی که هر نوع اطلاعاتی از این عزیزان دارند تقاضا می کنیم ما را در جریان بگذارند.

بار دیگر این فاجعه هولناک را به بازماندگان این حادثه و خانواده هایشان عمیقا تسلیت میگویم. این پناهجویان باید هر چه سریعتر به مکانی امن منتقل و مورد مراقبت پزشکی و روان درمانی ویژه قرار بگیرند. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی به پناهندگان توصیه می کند از رفتن به استرالیا از طریق راههای خطرناک و غیرقانونی اکیدا خوداری نمایند.

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی
۱۹ دسامبر ۲۰۱۱

بازنشستگان ذوب آهن بخش دیگری از طلب خود را گرفتند

گزارش مهرداد کامرانی از ایران

بازنشسته شده اند و افزایش سطح حقوقهایشان در بودجه سال آتی منظور گردد. کارگران بازنشسته اعلام کرده اند که تا تمام طلب هایشان را نگیرند همچنان به تجمعات و اعتراضاتشان ادامه خواهند داد.

بدین ترتیب کارگران بازنشسته ذوب آهن با مبارزات متحد خود تا همین جا توانسته اند، جانیان اسلامی و مسئولان کارخانه را قدم به قدم عقب برانند و تکه تکه حقوق و دستمزد خود را از حلقوم این مفتخوران حریص بیرون بکشند. کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان با پافشاری و پیگیری بر خواستها و مطالباتشان، با همراه نیروی خانواده ها و اجتماعات هر روزه شان، الگوی خوبی از مبارزه برای نقد کردن

بدنبال یکماه اعتراض و مبارزه کارگران بازنشسته ذوب آهن مدیریت مبلغ ۱۲۵ هزار تومان یعنی بخش بازنشسته ذوب آهن را پرداخت کرد. بدین ترتیب این کارگران با تجمعات هر روزه خود توانسته اند بخشی از دستمزد خود را در سه نوبت ۷۵ هزار تومان، ۲۰۵ هزار تومان و ۱۲۵ هزار تومان دریافت کنند. به این کارگران گفته شده است که باقی طلب آنها نیز در همین یکی دو روزه پرداخت خواهد شد و به آنها وعده داده شده است که باقی مطالباتشان از جمله ما به التفات افزایش دستمزدها برای ۵ ماه اول سال ۹۰ و همسان سازی دستمزد بازنشستگانی که قبل از سال ۸۸ بازنشست شده اند با افرادی که بعد از این تاریخ

تجمع کارگران ریسندگی خاور رشت مقابل استانداری گیلان

کارگران کارخانه ریسندگی خاور

با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می کنند و عدم پرداخت دستمزدهای معوقه شان، بر دامنه مشکلات معیشتی آنان افزوده است. جمعی از این کارگران در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه ۶ ماهه خود در مقابل استانداری گیلان تجمع اعتراضی برپا کردند.

دستمزدهای معوقه در مقابل همه کارگرانی که با این معضل روبرویند قرار دادند. و امروز همانطور که خود این کارگران تاکید دارند، برای اینکه بتوانند باقی طلبهایشان را نقد کنند، برای اینکه بتوانند افزایش فوری حقوقهایشان را که بطور واقعی چندین برابر زیر خط فقر است بر جمهوری اسلامی تحمیل کنند، و برای اینکه به مطالباتی که دارند تحقق بخشند، باید همچنان متحد بمانند. بر نیروی جمعی خود و بر پای تجمعاتشان اتکا کنند، بر امر اطلاع رسانی و جلب حمایت مردم از مبارزاتشان تلاش کنند و خانواده های این کارگران همچنان نقش فعالی در شرکت در اعتراضات کارگران و در رساندن صدای اعتراض آنها به جامعه داشته باشند. *

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهاب دانشفر

همهانگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternational@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!